

نگاه Haaretz، تل آویو

## منع شرکای تجاری ایران؟!

رژیم صهیونیستی، به دنبال متوقف ساختن همکاری‌های تجاری و اقتصادی مهمترین همپیمانان خود (آلمان و سوئیس) با ایران، از راه دیپلماسی مخفیانه و نفوذ سیاسی پشت پرده است.

سهام داران OMV بزرگترین شرکت تولید و توزیع انرژی اتریش، جهت شش و بررسی گزارش هیأت مدیره این شرکت، در خصوص قرارداد ۲۳ میلیارد یورویی OMV با ایران، دروین گرد هم آمدند. بنابراین مفاد قرارداد فوق، این شرکت که به طور مستقیم تحت نفوذ و نظارت دولت اتریش می‌باشد، با هدف توسعه و پیشبرد طرح‌های نفتی و گازی ایران، در میدان گازی پارس جنوبی، سرمایه‌گذاری می‌کند و در قبال این سرمایه‌گذاری، گاز طبیعی مایع از ایران دریافت خواهد کرد. بنابراین تفاهم دو کشور اتریش و ایران، گاز طبیعی مایع ایران از طریق تانکرهای دریایی و جاده پیمای اتریش صادر خواهند شد و در صورت ساخت خط لوله مستقیم انتقال گاز و فرآورده‌های نفتی و گازی ایران به اروپا، کشور اتریش پذیرای گاز طبیعی و گاز مایع ایران از طریق این خط لوله خواهد بود.

در این صورت باید گفت، اتریش خطر جدی کمبود منابع انرژی در اروپا را به خوبی درک کرده و با امضای این قرارداد، به دنبال ایجاد تنوع در تأمین منابع انرژی مورد نیاز خود و کاهش وابستگی به گاز روسیه است.

خصوصیت‌های سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی و ایران و تهدیدهای احتمالی ناشی از این خصوصیت‌ها برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران، محور اصلی گفت‌وگوها در مجمع فوق العاده سهام‌داران شرکت OMV در وین بود. آیا اسرائیل به تشویق و حمایت همپیمانان خود، به سایت‌های هسته‌ای ایران حمله خواهد کرد؟ آیا رژیم صهیونیستی با وجود مشکلات بزرگ داخلی همچون شکست‌ها و رسوایی‌های سیاسی که ایهود اولمرت، نخست وزیر و کابینه وی را در بر گرفته، بازم به فکر دشمنی با ایران است؟ مشکلات اولمرت و افتضاح سیاسی وی و کابینه‌اش، منجر به بحث و مخالفت‌های جدی بین تصمیم‌گیرندگان کلان و سازمان‌های امنیتی رژیم صهیونیستی شده است. آیا این مخالفت‌ها به گسترش درگیری‌ها به مرزهای ایران منجر خواهد شد؟

رژیم صهیونیستی، آخرین راه برای متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای ایران و از پیش‌رو برداشتن این کشور را حمله نظامی می‌داند. برای جلوگیری از وقوع چنین جنگی، جامعه بین‌الملل باید برای قانع کردن ایران در خصوص توقف برنامه‌های هسته‌ایش بسیج شود و در صورت لزوم، ایران را تحت فشار قرار دهد تا برنامه‌های هسته‌ای خود را رها کرده یا به طور موقت، متوقف سازد.

طور که خودشان هم می‌گویند، برای مشخص و روشن کردن بسیاری از مسایل به زمان بیشتری نیاز است.

گزارش جدید آژانس در بخشی دیگر، به موضوع

عدم همکاری ایران با ناظرانش اشاره می‌کند. و می‌گوید: «ایران در مورد نصب سانتریفیوژهای جدیدش یعنی IR-2 و IR-3 (نسل دوم و سوم ایرانی) و همچنین، در مورد اعمال اصلاحات در سایت نطنز، هیچ اطلاعاتی به آژانس نداده است. این در حالی است که ایران برای انجام هر یک از این فعالیت‌ها باید آژانس را در جریان همه امور قرار می‌داد و نصب سانتریفیوژها و اعمال اصلاحات باید با

حضور ناظران آژانس انجام می‌شد.» گزارش جدید آژانس در ادامه اعلام می‌کند: به ناظران آژانس، در بازدید ماه آوریل اجازه بازدید از کارگاه ساخت اجزا و قطعات سانتریفیوژهای جدید و همچنین، جایی که تحقیقات غنی‌سازی اورانیوم انجام می‌شده، داده نشد. گزارش جدید آژانس، چیزی راجع به مقدار تولید فعلی اورانیوم غنی شده در ایران نمی‌گوید. اما بنا به ادعای یکی از مقامات که از افشای نامش خودداری کرد از دسامبر سال گذشته تاکنون، ایران موفق به غنی‌سازی ۱۵۰ کیلوگرم اورانیوم شده است. این مقدار، دو برابر مقداری است که آنها ۱۸ ماه پیش در دوره مشابه می‌توانستند تولید کنند. دیوید آلبرایت، بازرس سابق تسلیحات و رییس مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل در واشنگتن می‌گوید: «مقامات ایرانی، با اسناد معتبر و مدارک محکمی روبرو هستند که حاکی از انجام برنامه‌های این کشور برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای می‌باشد. گزارش جدید نشان از این دارد که آژانس از فعالیت‌های غیرصلح‌آمیز ایران با خبر است و این برای ایران بسیار ناخوشایند می‌باشد.» وی همچنین افزود: من تاکنون چنین مورد روشن و آشکار افشاگری و پرده‌برداری از انحراف فعالیت‌های هسته‌ای یک کشور از سوی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای ران دیده بودم.

حال آن که علی اصغر سلطانی، نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای می‌گوید: «گزارش جدید آژانس بی‌گناهی ما را ثابت کرده و از فعالیت‌های هسته‌ای ما حمایت می‌کند. این گزارش همچون دیگر اسناد معتبر موجود، نشان می‌دهد که برنامه‌های هسته‌ای ایران به طور کامل صلح‌آمیز می‌باشند.»

گزارش آژانس به ۳۵ عضو اصلی آژانس و شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه گردیده است تا مورد بحث، بررسی و تصمیم‌گیری قرار گیرد. ■

نظامی ایران در برنامه‌های هسته‌ای این کشور است. وی در ادامه می‌گوید: «ما می‌خواهیم بدانیم چرا؟» البته بر اساس گزارش آژانس هنوز مدرک محکم و

روشنی مبنی بر انحراف فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سمت ساخت و تکثیر سلاح در دست نمی‌باشد و تشخیص هدف و نیت واقعی ایران از ادامه برنامه‌های هسته‌ایش، موکول به آینده می‌شود و ممکن است اعلام نظر قطعی آژانس تا چند ماه دیگر به طول انجامد.

برنامه‌های هسته‌ای ایران، ماه‌ها است که به موضوع اول رسانه‌ها و محافل سیاسی تبدیل

شده و مهمترین دغدغه جهانیان، احتمال گرایش ایران به ساخت تسلیحات هسته‌ای و احتمال استفاده از این تسلیحات علیه کشورهایی است که این کشور را در تنگناهای شدید سیاسی و اقتصادی قرار داده‌اند. ایران، با ساختگی و جعلی خواندن اسناد ارائه شده از سوی آژانس، اعلام داشته که آزمایش‌ها و فعالیت‌های ما هیچ ارتباطی با فرآیندهای ساخت و تولید تسلیحات ندارند. البته ایران برای اثبات ادعای خود، هنوز سند معتبری ارائه نکرده و اجازه بازبینی از تمام آزمایشگاه‌ها و سیاست‌های هسته‌ای خود را به ناظران بین‌الملل نمی‌دهد.

همچنین، گزارش جدید آژانس، از برنامه‌های تحقیقاتی ایران برای ساخت سانتریفیوژهایی که می‌توانند با سرعت بیشتری کار کرده و بازده بالاتری نسبت به سانتریفیوژهای قبلی داشته باشند، خبر می‌دهد. البته آژانس هیچ جزئیاتی در خصوص این ادعای خود ارائه نکرده و تنها به ارائه کلیات موضوع بسنده کرده است. این به آن معنی است که ایران ممکن است در حال غنی‌سازی اورانیوم باشد، اورانیوم با غنایی که هم می‌تواند برای تولید برق مورد استفاده قرار گیرد و هم برای ساخت سلاح. بنا به ادعاهای دولت‌های غربی و آمریکا، ایران، بسیار زودتر از آنچه سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی غرب پیش‌بینی کرده بودند، موفق به ساخت سانتریفیوژهای قوی شده و خیلی زود، سانتریفیوژهای ناکارآمد و قدیمی خود را با سانتریفیوژهای جدید جایگزین ساخته است.

بنابراین ادعای جدید گزارش آژانس و به گفته البرادعی، مدیر کل آژانس، برخی از اجزای این سانتریفیوژها به دست سازمان‌های نظامی و ارتش ایران طراحی و تولید شده‌اند. به نظر می‌رسد، هنوز خود آژانس برنامه مشخصی در برابر موضوع هسته‌ای ایران ندارد و همان



فشار قرارداد ایران می‌باشند. شورای امنیت سازمان ملل متحد تاکنون علیه شخصیت‌های مهم و سازمان‌ها و شرکت‌هایی که با برنامه‌های هسته‌ای و فضایی ایران در ارتباط می‌باشند، سه قطعنامه جدی به تصویب رسانده است. اما به دلیل موضع دو گانه روسیه و چین، تأثیر این قطعنامه‌ها در فروپاشی دیوار مقاومت ایران، بسیار کم و ناچیز بوده و این دو قدرت جهانی، برخلاف تعهد خود مبنی بر توقف کامل ارسال فن‌آوری و تجهیزات هسته‌ای و فضایی به ایران، همچنان این کشور را در برنامه‌های هسته‌ای و فضایی یاری می‌کنند. همچنین، این دو قدرت بزرگ جهانی، با وجود مخالفت‌های شدید ایران در برابر تصمیمات و مفاد قطع‌نامه‌های شورای امنیت، هنوز به طور رسمی در مجامع بین‌المللی، از هدف ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای سخنی به میان نیاورده و تنها احتمال انحراف برنامه‌های هسته‌ای ایران به سمت ساخت و تکثیر تسلیحات هسته‌ای را مطرح می‌کنند.

همکاری‌هایشان با ایران است و سه کشور اروپایی سوئیس، آلمان و اتریش که روابط تجاری و اقتصادی بسیار نزدیکی با ایران دارند، در فهرست اصلی دولت رژیم صهیونیستی جای گرفته‌اند.

آلمان بزرگترین شریک تجاری ایران در اتحادیه اروپا است. تنها در سال گذشته، ارزش صادرات محصولات



وجود چنین دوگانگی بزرگی در روابط بین‌الملل، موجب تغییر موضع و عدم هماهنگی مخالفان ایران در اجرای برنامه‌هایشان علیه این کشور شده است. برای مثال، طی ماه‌های اخیر، ایالات متحد و رژیم صهیونیستی، یک برنامه راهبردی مشترک برای قانع کردن اتحادیه اروپا جهت توقف کامل همکاری‌های اقتصادی و اعمال تحریم‌های اقتصادی همه جانبه علیه ایران را دنبال کرده و هر کدام جداگانه، با توسل به دلایل و توجیه‌های خود، سعی در وادار نمودن اروپا به قطع همکاری‌ها با ایران داشته‌اند.

برنامه اصلی مخالفان ایران، ایجاد اختلال در صنعت نفت و گاز این کشور است، چراکه پایه‌های اقتصاد ایران، بر روی صنعت نفت و گاز استوار است و دولت ایران، بدون درآمدهای نفتی و گازی، هیچ توانی برای ادامه مقاومت در برابر مخالفان خود را نخواهد داشت. هدف اصلی، تحمیل ضربات شدید و جبران ناپذیر به اقتصاد ایران و از پای درآوردن کامل آن است. دولت ایران، به علت درآمدهای عظیم نفتی و گازی، نه تنها بار سنگین ناشی از تحریم‌ها را بر دوش کشیده و نیازهای اولیه مردم را تأمین می‌کند، بلکه اعتبار ارزی برای تأمین هزینه‌های سرسام‌آور برنامه‌های هسته‌ای خود را هم فراهم ساخته است.

دولت اسرائیل به خوبی آموخته است که با توسل به زورگویی و نظامی‌گری، نمی‌توان از سد ایران گذشت. اما هنگامی که سازمان‌های صهیونیستی و آمریکایی، عدم موفقیت برنامه‌های پرهیاهوی خود در برابر ایران را در جامعه جهانی فریاد می‌زنند، دولت رژیم صهیونیستی ترجیح می‌دهد که پشت پرده و در خفا، کامل، برنامه‌های خود علیه ایران را عملی سازد. رویکرد جدید دولت رژیم صهیونیستی در برنامه‌های ضد ایرانی خود، رویکردی آرام اما ویران‌کننده است. رژیم صهیونیستی این بار با هدف ایجاد اختلال در اقتصاد ایران، به دنبال وادار کردن شرکای تجاری و اقتصادی ایران جهت توقف کامل

برخی از شرکت‌های خصوصی، به دلیل روابط تجاری و اقتصادی بسیار نزدیک با ایران، می‌گویند که در صورت قطع صادرات به ایران، اقتصاد آلمان با چالش اساسی روبه‌رو می‌شود. اما به اعتقاد من، این گفته جز دروغی خام نیست. اگر ما همکاری‌های تجاری و اقتصادی با ایران و صادرات به این کشور را متوقف سازیم، تنها ۰/۵ درصد صادرات به بازارهای جهانی را از دست خواهیم داد.

اما قطع همکاری‌های تجاری و اقتصادی با ایران، ضربات مهلک و خسارت‌های جبران ناپذیری به پیکره صنعتی و اقتصادی ایران وارد خواهد کرد. آلمان باید بداند، در صورت عدم تحمیل تحریم‌های شدید و همه جانبه اقتصادی بر ایران، تنها گزینه باقی مانده برای توقف برنامه‌های هسته‌ای ایران، جنگ می‌باشد. سوئیس هم به تازگی، قرارداد همکاری گازی با ایران منعقد کرده است. حدود یک ماه پیش، میشلین کالمی ری، وزیر خارجه سوئیس، به تهران آمد و مورد پذیرش و استقبال رییس‌جمهور ایران، قرار گرفت. وی طی میهمانی صمیمانه‌ای، ضمن بحث و گفت‌وگو

پیرامون مسایل مختلف با دکتر احمدی نژاد، به نمایندگی از شرکت گازی EGL سوئیس، قرارداد ۴۲ میلیارد دلاری در بخش همکاری‌های گازی با ایران منعقد کرد. بر اساس این قرارداد، سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های شرکت EGL سوئیس در طرح‌های گازی ایران از سال ۲۰۱۱ آغاز خواهد شد. ولی اتحادیه ضد تهمت (Anti-Defamation League)، این قرارداد را محکوم و سوئیس را به عنوان جدیدترین شریک مالی تروریسم معرفی کرد. اما از آن جایی که دولتمردان رژیم صهیونیستی، آلمان و سوئیس را از مهمترین همیمانان خود در جهان می‌بینند، قصد محکومیت آشکار همکاری‌های سیاسی این دو کشور با ایران را ندارند. در اتریش نیز مخالفت با قرارداد گازی شرکت OMV با ایران گسترش یافته است. حدود ۳۱ درصد سهام شرکت OMV در اختیار دولت اتریش و ۱۸ درصد سهام شرکت متعلق به یک شرکت سرمایه‌گذاری در اوبوایی می‌باشد. بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت هم به طور سهامی عام در اختیار مردم قرار دارد.

یک ائتلاف حاکم بین فعالان سیاسی و اقتصادی و سازمان‌های مختلف اتریش، به تازگی تهدید کرده، شرکت OMV را تحریم خواهد کرد. رون لادر رییس‌کنگره یهودیان جهان و سفیر سابق ایالات متحد آمریکا در وین، نیز به جریان ضد ایرانی این ائتلاف پیوسته است.

اما چنین به نظر می‌رسد، مخالفت‌ها و تحریم‌های فانتزی علیه همکاری‌های تجاری و اقتصادی اتریش با ایران، همان اندازه کارساز و تاثیرگذار باشند که در آلمان و سوئیس هستند. هنگامی که پای پول‌های کلان و نیاز شدید و روز افزون به انرژی به میان می‌آید، ارزش‌های صهیونیستی، بی‌ربط و نامربوط شده و هیچ گوشه‌ای وقت شنیدن افکار فانتزی ضد ایرانی را ندارد و نیاز و مصلحت ملی هر کشور، حرف اول و آخر را می‌زند. ■

آلمانی به ایران برابر با ۴ میلیارد یورو بود. دکتر ماتیاس کانتزل از دانشگاه هامبورگ که کارشناس روابط برلین - تهران می‌باشد با ادامه همکاری‌های تجاری و اقتصادی آلمان و ایران مخالف می‌باشد. وی ادامه همکاری‌های آلمان با ایران را مخالف قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل می‌داند. کانتزل در گردهمایی آزادی‌خواهانه که چندی پیش با حضور سازمان‌ها و گروه‌های صهیونیستی و غیرصهیونیستی، با هدف جلوگیری از گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی آلمان و ایران در برلین برگزار شد، شرکت کرد و طی یک سخنرانی طولانی، به انتقاد از ادامه همکاری‌های تجاری و اقتصادی آلمان با ایران پرداخت. هنگامی که مرکل، صدر اعظم آلمان، به همراه اعضای کابینه‌اش با هیأت رژیم صهیونیستی در اورشلیم (بیت المقدس) در حال دیدار و گفت‌وگو بود و هر دو طرف بر به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و تلاش همه جانبه برای ارتقای آن در منطقه تأکید می‌کردند، کانتزل در گفت‌وگو با روزنامه Haaretz رژیم صهیونیستی گفت: شرکت‌های آلمانی همکاری‌های تجاری و اقتصادی خود با ایران را در بالاترین سطح ممکن انجام می‌دهند و این همکاری‌ها هر روز در حال گسترش است.

به راستی، آلمان بزرگترین تظاهر و دورویی قرن را انجام می‌دهد. وی در گردهمایی برلین می‌گوید: بنابر آمار و ارقام موجود، بیش از ۱۷۵۰ شرکت آلمانی، ماشین‌آلات پیشرفته و تجهیزات ضروری به بخش‌های مختلف صنایع ایران همچون صنعت نفت و گاز، کاشی، پلاستیک و صنایع چاپ و بسته‌بندی ایران می‌فروشد. زمینس و لینده (Linde) بزرگترین شرکای تجاری ایران در آلمان هستند و گاهی، تجهیزاتی به ایران صادر می‌کنند که ممکن است در برنامه‌های هسته‌ای و فضایی این کشور مورد استفاده قرار گیرد. کانتزل می‌گوید: حدود ۴۰ درصد واردات ایران، از اتحادیه اروپا مربوط به آلمان می‌شود.